

نگاه

دو نیمه در بهشت

کاش آلمانی‌ها

بامرام و مهمان نواز باشند

امیر پوریا

بالاخره آن روز رسید. روزی که از پارسل، از لحظه تعیین گروه‌ها و قرعه جام جهانی حسابش را کرده بودیم و گاهی بهش فکر می‌کردیم. از همان موقع معلوم بود که اگر آلمان، آرژانتین و ایتالیا در گروه‌های خودشان در مرحله مقدماتی جام اول شوند، دو تای اول‌شان در یک‌چهارم نهایی به هم می‌خورند و برنده، در نیمه‌نهایی جلوی ایتالیای محبوب‌ما و خیلی از ایرانی‌ها می‌ایستد. بالاخره هم این‌طور شد. در آن ضلع ماجرا، تصور یک‌ساله‌مان درباره اینکه اسپانیا و برزیل و انگلیس و هلند رقابت اصلی را برای تعیین دومین بازی نیمه‌نهایی دارند، غلط از آب درآمد و آنها دوتا دوتا و به ترتیب، مغلوب برنامه‌ها یا بگذازد بگیریم دسیسه‌های پرتغال و فرانسه شدند. ولی این طرف، همان مسابقه‌ای که در خیالمان مجسم می‌کردیم، نیمه‌نهایی اول را شکل داد که امشب، همین چند ساعت دیگر بین آلمان میزبان و مصمم و منسجم و ایتالیای مقاوم و لب مرز، برگزار می‌شود.

اولین تفاوت مسیر دو تیم برای رسیدن به جمع چهار تیم برتر پائانی، به اتفاقی مربوط می‌شود که ظاهراًری ربط به‌نظر می‌آید: خرابکاری و خشونتکات فرانسه در مرحله اول و اینکه در گروهش دوم شد و با برد روز آخر در مقابل توگو، به زور از گروه هفتم بالا آمد، باعث شد که تیم اول گروه یعنی سوئیس در یک هشتم جلوی اوکراین قرار بگیرد و بعد از ضربات پنالتی بسیار بدش، یارآن شوچنکو در یک‌چهارم جلوی ایتالیا بایستد. اگر فرانسوی‌ها طبق پیش‌بینی‌های مرسوم و طبیعی همه، در گروه‌شان اول می‌شدند و بعد همین‌طور پیش می‌آمدند، در یک‌چهارم نهایی به آتژوری می‌خوردند؛ درحالی که حالا فرانسه تنها تیم دوم گروه‌ها است که به نیمه‌نهایی رسیده. (کاری که ایتالیا خودش متخصص آن است و مثلاً در جام ۱۹۸۲، از همین مسیر به قهرمانی رسید) حالا به جای یک‌چهارم، ایتالیا – فرانسه را ممکن است در فینال ببینیم؛ یا خدای نکرده، زبان‌ن لال، در رده‌بندی. اما از آن طرف، آلمان به‌جای حریف متوسطی مثل اوکراین که راه ایتالیا برای صعود به نیمه‌نهایی را هموار کرد، با آرژانتینی روبه‌رو شد که مثل همیشه داعیه قهرمانی داشت و این بار برخلاف دو جام قبل، واقعاً این حرف‌ها بهش می‌آمد. آلمان – آرژانتین جمعه هفته پیش در برلین، بازی بزرگ جام ۲۰۰۶ بود و مهارت‌ها، تفکر منعطف، استحکام بدنی چشمگیر و اراده بالای هر دو تیم را این‌جا جای جام در بازی دیگری ندیده‌بودیم و بعد است بازن ببینیم. مسابقه‌ای که مثل بازی‌های تاریخی مشابه و جاودانه آلمان غربی – فرانسه جام ۱۹۸۲ و برزیل – فرانسه جام ۱۹۸۶ به ضربات پنالتی کشید، عملاً به نمایشی از قدرت‌های دو تیم بدل شد که یکی از مهمترین فرضیه‌های موجود درباره مرحله نهایی را شکل داد. براساس این فرضیه که از همان دقیق نفس نفس اواسط

نیمه دوم تا پایان بازی آلمان – آرژانتین مطرح می‌شد، برنده این پیکار عملاً قهرمان جام خواهد بود. دیدگاه مقابلش می‌شود اینکه بگوییم ایتالیا امروز قدر رهایی از لحظه‌های دشوار و کابوس مانند بازی گره خورده یک‌هشتم در مقابل استرالیا را خواهد دانست. وقتی توانست ده نفره در برابر تیمی با آن توان جسمانی عظیم، ایستادگی کند و بدون ماتراژتی و نستا، گل نخورد و به لطف یک پنالتی شاسنی و البته با خونسردی و تسلط توتی عزیز، با انتقام باخت چهار سال پیشش از تیم آن موقع گاس هیدنک (کره جنوبی) را بگیرد، دیگر حسابی متنبه شد و این را در بازی روان و روش‌های متنوعش جلوی اوکراین می‌شد به وضوح دید. حالا دیگر لیبی باید زیرک‌تر از آن باشد که این فرصت را از دست بدهد و سواى همه اعتبار و افتخاری که می‌تواند با غلبه بر میزبان کسب کند، به کمربنگ شدن پرونده رسوایی‌هایش در فدراسیون و لیگ فوتبال ایتالیا نیندیشد. تیم او امشب ماتراژتی را هم دارد و بار دیگر، مثل جام گذشته، تنها تیمی است که همه بازیکنان حاضر در فهرستش را دست کم یک‌بار به میدان مسابقات جام فرستاده. (البته طبعاً منهای دو دروازه‌بان ذخیره که خودشان هم خجالت می‌کشند حتی برای چند دقیقه، جانشین بهترین گلر دنیا

یعنی یوفون شوند!) این شراکت همگانی، معلوم است که برای اردوی تیم یک ملت احساساتی مثل ایتالیا، همدلی برانگیز خواهد بود و یکدستی روحیه بازیکنان مختلف را با وجود اختلاف سطح‌شان، افزایش خواهد داد. شاید حالا نیمکت آتژوری به لحاظ تعصب و روحیه، دو سه گئوزوی دیوانه و دوست‌داشتنی داشته باشد که وقتی تیمش گل می‌زند، با وحشیانه‌ترین واکنش‌های ممکن، می‌دود طرف لیبی و چشم در چشم مرئی‌اش می‌ایستد و با فشار دادن سر یا گرفتن بازی‌ها می‌خواهد سرسرمی‌اش از گل تیم را قسمت کند. حتماً یادتان هست که در بازی ایتالیا – اوکراین، با وجود دوگله شدن لوکا توتی و بازی بی‌نقص زامبروتا که هم گل اول را از یک توپ مرده، خودش به راه انداخت و به ثمر رساند و هم از چند قدم مانده به پاس گل سوم، دفاع اوکراین را محقور سرعت و تکنیکش کرد، کمبته برگزازی بازی‌ها همین گئوزوی خودمان را بهترین بازیکن زمین معرفی کرد. فکر می‌کنید دلیشل فقط بازی محکم ولی – این بار، استثناً – بدون خشونت او بود که بارها قدرت بدنی اوکراینی‌ها را خنثی می‌کرد؟ یا مثلاً آن استقامت عجیب و غریبش بود که هرچند تیموشچوک با وزن کم‌لش روی ساعد دست او ایستاد، گئوزو بعد از چند دقیقه پا شد و برگشت و به بازی ادامه داد؟ نه؛ یک دلیشل هم این بود که او بعد از تعویض شدن روی نیمکت بازی می‌کرد و بر توان روحی تیم اثر می‌گذاشت. آلمان در جام ۱۹۹۰ با میزبانی ایتالیا آخرین قهرمانی‌اش را به‌دست آورده و حالا امیدوارم در میزبانی‌اش بگذازد ایتالیا به فینال برلین برسد و شاید قهرمان شود. یعنی آلمانی‌ها این مرام و مهمان‌نوازی متقابل را دارند!؟

منتقدان لجباز ایتالیایی کجا هستند؟ ناپدید شده‌اند، رویشان را به سمت دیگری کرده‌اند و حداقل اینکه ذهن‌شان را از تفکرات قبلی خالی کرده‌اند. کجا هستند مدعیانی که در صف اول قرار داشتند و به دنبال مجازات لیبی بودند و او را جزیی از رسوایی فوتبال یوونتوس و همدستی با آژانس ورزشی «جه‌آ» می‌دانستند و حتی در این میان فابیو کاناوارو را هم متهم می‌کردند که با لوچانو مویچی در ارتباط بوده و رفتاری غیرحرفه‌ای را با اینتر و فاکتی داشت و با مشاوره مویچی سر از یوونتوس درآورد. به نظر می‌رسد که همه آن منتقدان فرار کرده‌اند و احتمالاً کسی دوست ندارد روزهای بحرانی گذشته را به یاد بیاورد. حتی وقتی ایتالیایی‌های مقیم آلمان سه هفته قبل برای استقبال تیم ملی به فرودگاه دویسبورگ رفتند، لیبی و چند بازیکن را مورد انتقادات شدید خود قرار دادند و اعتراض‌شان را همانجا نشان دادند. عده‌ای از آنها می‌گفتند: «چه‌طور برزیل باید به طرفدارانش جواب پس بدهد اما ایتالیا نه؟» آنها می‌خواستند تا رسوایی یووه را به تیم ملی انتقال دهند و در همان مرحله اول کار را تمام کنند، به همین دلیل در همان فرودگاه دویسبورگ گفت‌وگوهای دیپلماتیک رئیس فدراسیون شروع شد و جی جی ریوا هم مجبور شد توضیح بدهد. شب بازی مقابل اوکراین همه چیز رنگ دیگری به خود گرفت. باورنکردنی بود. ایتالیا به دویسبورگ برمی‌گشت، خانه موقت تیم لیبی در آلمان. همه طرفداران آنها را دوره کردند و با بوق‌ها و پرچم‌های برافراشته خود، اتوبوس ایتالیا را تا هتل بدرقه کردند. خانواده کوچک فوتبال ایتالیا به یک خانواده بزرگ تبدیل شده و لیبی هم از آن جهنم انتقادات بیرون آمده بود. بدین صورت صبح زیبای لیبی از راه می‌رسید و بعد هم بازی آلمان – ایتالیا، مادر انتقام‌های فوتبال. وقتی تیم تمریناتش را شروع می‌کند، حدود ۳۰۰ پرچم کوچک و بزرگ دور تا دور زمین دیده می‌شود، طرفداران فریاد می‌زنند و همه با پیراهن‌های سفید صلح جدید را نوید می‌دهند. از این‌دیانا پولیس آمریکا، لاپو الکان صاحب یوونتوس و در جریان مسابقات فرمول یک پیغام خود را می‌فرستد: «این تیم ایتالیا بهترین چهره فوتبال ما را نشان داد. «یوونتوس برابر تمام رسوایی‌ها باید جواب پس بدهد، اما بازیکنان یووه در تیم ملی ایتالیا نقش دیگری دارند و باید چهره زیبای فوتبال ایتالیا را ارائه دهند. لیبی هم گرچه دو سال است از این تیم جدا شده اما پرونده جنجال برانگیز نام او را نیز همراه خود دارد. به همین دلیل الکان مجبور می‌شود که با جملات گرم، فضای بهتری را به وجود بیاورد و سرمربی را از شر انتقادات خلاص کند. مسلماً هیچ کس نمی‌تواند ۴۰روز

آتشین را پشت سر بگذارد و هنوز زنده بماند ولی برای لیبی روزها رفته‌رفته آرام شد و وقتی که تیم ایتالیا به نیمه‌نهایی رسید همه چیز عوض شد. وقتی جام جهانی پر از گل می‌شود و دوئل‌های بزرگ را تیم بهتر می‌برد، آن وقت حتی تیم دفاعی و بحران‌زده ایتالیا هم می‌تواند خوب بازی کند و به نیمه‌نهایی برسد. جی جی ریوا شرایط امروزی ایتالیا را با دوران خود مقایسه می‌کند و می‌گوید: آن خاطره‌های



شخصی روی ویدئوکاست‌ها باقی مانده است. ولی لیبی روزها رفته‌رفته آرام شد و وقتی که تیم ایتالیا به نیمه‌نهایی رسید همه چیز عوض شد. وقتی جام جهانی پر از گل می‌شود و دوئل‌های بزرگ را تیم بهتر می‌برد، آن وقت حتی تیم دفاعی و بحران‌زده ایتالیا هم می‌تواند خوب بازی کند و به نیمه‌نهایی برسد. جی جی ریوا شرایط امروزی ایتالیا را با دوران خود مقایسه می‌کند و می‌گوید: آن خاطره‌های

□

ورزشی

تیم ملی بهترین چهره فوتبال ما

لیبی: ایتالیا از خواب بیدار شده است

تصمیم گرفت تا گروه را از شرایط فعلی دور کند و هیچ‌کس را به تمرینات راه ندهد و همه چیز را برای جام جهانی آماده کند. عملیات بازسازی تیم شروع می‌شود و به رغم مصدومیت‌های متوالی یکی از مدعیان خود را به دویسبورگ می‌رساند. ریوا می‌گوید: «این کابوس‌ها تمام نمی‌شد. اما فوتبال مدرنی که ایتالیا مقابل غنا از خود نشان داد، اولین لیخندها را بر لب نشاناد و همه امیدوار شدند. مانع آمریکا و خروج توتی بار دیگر کابوس را به اردوی ایتالیا برگرداند و در نهایت ضربه پنالتی در آخرین ثانیه آن هم توسط توتی دلهره سقوط را به پایان رساند. آرگیو ساکی می‌گوید: «نقطه مشترک تیم لیبی و تیم ۹۴ در این است که با وجود توتی خودشان را در موقعیت درست پیدا کردند و اینکه باره‌ی و نستا هم مصدوم شدند. حالا همه می‌جنگیم تا بهترین شرایط را بار دیگر مهیا کنیم. شانس اصلاً وجود ندارد و ما فقط توانایی خودمان را باید نشان دهیم.» لیبی در این شرایط راه خود را ادامه می‌دهد و تیمش را به دورنمودن می‌برد، اما دیگر از آن کابوس‌های آتشین خبری نیست. نه تنها آنها را اسکورت می‌کنند بلکه با صدای بلند برایشان فریاد می‌زنند. لیبی نمی‌خواهد در نیمه‌نهایی متوقف شود، تیم او از خواب بیدار شده است و آگاهانه قدم برمی‌دارد. «ما حالا می‌توانیم بگوییم که یکی از بهترین تیم‌های دنیا هستیم و با فداکاری به نیمه‌نهایی رسیده‌ایم برای اینکه تیم ما شخصیتی باورنکردنی دارد و می‌داند که چگونه در برابر مشکلات خود را نشان دهد و به برتری برسد.»

ایتالیا بعد از ۱۲ سال به نیمه‌نهایی می‌رسد. لیبی ادامه می‌دهد: «من خوشحالم که توتی توانسته است گل بزند و از شرایط سختی که با آن روبه‌رو بود رها شود. من از تمام بازیکنانم راضی هستم، از یوفون و کاناوارو تا توتی و توتی. حتی بازیکنان جوانی مثل بارزالی هم برای این رقابت‌های بزرگ خوب بازی کرده‌اند و از این توانایی بزرگ شگفت‌زده شده‌ایم.»

لیبی به این تیم امیدوار است و در مورد نیمه‌نهایی می‌گوید: «اینجا نقطه پایانی تیم ما نیست، اما امتیاز بزرگی است که به آن دست یافته‌ایم و حالا باید با

آلمان روبه‌رو شویم. این بازی برای هر دو تیم سخت است. هر تیم شخصیت خاص خودش را دارد. ما

هیچ وقت نمی‌توانیم مثل برزیل بازی کنیم، برزیل روزهای اول تمرین بسیار سخت بود و مشکلات

بسیاری داشتیم. هر روز یک نفر می‌آمد و قرار بود از بازیکنان در مورد پرونده فوتبال یووه بازجویی کند.

استثنایی است. با این بازیکنان غیرممکن وجود ندارد، خصوصاً اینکه ستاره‌های ما برگشته‌اند و همه

قدرت گل زدن را دارند. این فرصت را از دست نمی‌دهیم.»

سال سوم ■ شماره ۷۹۹ **شوق**

چهره‌ها □

نستا احتمالاً نیست



بود، دو بازی آتژوری در برابر استرالیا و اوکراین را از دست داد و احتمالاً در مبارزه کشورش بر سر حضور در بازی نهایی جام نیز غایب خواهد بود. پزشک تیم ملی ایتالیا «آنتونیو والیتینی» در این خصوص می‌گوید: «شانس اینکه او را در بازی امروز در اختیار داشته باشیم بسیار کم است. گرچه پس از آن مصدومیت، الساندرو توانسته رشد چشمگیری داشته باشد اما حضور یا عدم حضورش در بازی امروز در برابر آلمان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.» در نبود الساندرو نستا احتمالاً مارکو ماتراژی پی از اتمام محرومیش دوباره در کنار فابیو کاناوارو در خط دفاعی آتژوری قرار خواهد گرفت. هر چند جز او نمی‌توان از حضور آندره‌بارزالی مدافع میانی پارمو که در بازی برابر اوکراین چشم‌ها را به خود خیره کرد نیز ناامید بود. تمرین روز گذشته ایتالیا در حضور ۳۰۰ هوادار و خبرنگار در محیطی شاد و پرروحه انجام شد. آنچه که به نظر می‌رسد، تیم ایتالیا در قرار دارند. لوکا توتی در این خصوص می‌گوید: «جو تمرینات ما بسیار مفرح است. پس از پیروزی‌های متوالی در برابر استرالیا و اوکراین حالا بازیکنان درصد کنار زدن تیم میزبان و حضور در دیدار نهایی جام جهانی هستند. ما مدت‌ها برای رسیدن به چنین آرزویی تلاش و تمرین کردیم و اکنون آن را در یک قدمی خود می‌بینم.»

□

زامبروتا: یوفون بهترین بازیکن اروپاست

جیان‌لوکا زامبروتا مدافع آماده این روزهای تیم ملی ایتالیا معتقد است کشورش توانایی شکست دادن میزبان رقابت‌ها را دارد. از طرفی او اعتقاد دارد گیان‌لویجی یوفون شایسته کسب توپ طلای اروپا است. مدافع سابق باری که قابلیت‌های فراوانی در تمام

نقاط زمین دارد در این خصوص می‌گوید: «اگر بازیکنی باشد که شایسته تصاحب جایزه توپ طلای اروپاست، آن شخص بی‌تردید کسی نیست جز جی جی یوفون. ... با این حال من هنوز درک نکرده‌ام که چگونه الساندرو دل‌پیرو در طول سال‌های اخیر موفق نشده، این جایزه را حداقل یک بار به خود اختصاص دهد. گیان‌لوکا زامبروتا که دیدار نخست تیمش را در جام جهانی برابر غنا از دست داده بود، پس از آن در تمامی دیدارهای ایتالیا حضور داشت و در کل روند روبه رشد چشمگیری از خودبه نمایش گذاشت. در بازی مرحله یک‌چهارم نهایی تیمش برابر اوکراین بی‌شک بهترین و موثرترین بازیکن میدان بود. زامبروتا در خصوص گلی که به ثمر رسانده، می‌گوید: «به ثمر رساندن آن گل چیزی شبیه یک تقدیر بود. من بازیکنی نیستم که مرتب گل بزنم و با چنین شوت‌هایی را به سمت دروازه شلیک کنم. اما آن روز همه چیز دست به دست هم داد. من قبل از مسابقه و پس از بازگشت از تورین برای ملاقات گیان‌لوکا پستوتو به خود قول دادم که با به ثمر رساندن یک گل آن را به پستوتو تقدیم کنم. و خوشبختانه این اتفاق افتاد. این که می‌گویم این گل بیشتر به یک تقدیر شباهت داشت مسئله‌ی اهمیتی نیست. به این خاطر که گلی که به ثمر رساندم از هر نظر شبیه به نخستین گلم در سری A در سال ۱۹۹۷ در برابر ویتچنزا بود. من آن روز در لباس تیم باری بازی می‌کردم.» مدافع پرقدرت آتژوری در خصوص بازی کشورش در برابر آلمان می‌گوید: «همه می‌دانیم که ما تیم پیروز این مسابقه هستیم. وقتی که به نبردهای این دو تیم بازمی‌گردیم نخستین مسابقه‌ای که به ذهن ما خطور می‌کند پیروزی ما در فینال ۱۹۸۲ است. امیدوارم این بار نیز چنین نتیجه‌ای تکرار شود.»

□

نماد ایتالیا

رینو گئوزو هافبک جنگنده و میانی آتژوری آن قدر در این تورنمنت برای تیمش موثر و مفید بوده، که بسیاری از روزنامه‌نگاران این کشور او را نماد و سمبل فوتبال ایتالیا در جام جهانی می‌خوانند. هافبک سابق رنجرز که از مارچلو لیبی خواسته که تا سال‌ها در نیمکت ایتالیا بماند، اکنون به یکی از قهرمانان کشورش تبدیل شده است. گئوزو در این باره می‌گوید: «خیلی‌ها مرا از نظر کاریزماتیک با رونالدینیو مقایسه می‌کنند. گمان می‌کنم این بیشتر شبیه یک توهین باشد. البته شوخی کردم، من هیچ‌گاه نمی‌توانم کارهایی که رونالدینیو انجام می‌دهد را حتی در خواب نیز نمایش دهم، او فوتبالست بزرگی است. از اینکه مرا اسمبل و نماد و الگوی آتژوری می‌خوانند به خود می‌بالم. باید بگویم جدا از من در این تیم فوتبالست‌های بزرگ دیگری نیز حضور دارند که آنها به تنهایی می‌توانند چنین



و سباق گذشته بازی می‌کنم. شیوه و روش بازی من هرگز تغییر نخواهد کرد و از اینکه تا این مرحله توانسته‌ام با چنین سبکی از بازی به کشورم در این راه کمک کنم خرسندم. بازی بعدی ما با آلمان، میزبان مسابقات است. دیداری که برای ما محکم مرگ و زندگی دارد. پیروزی در این دیدار و تکرار آن برد طلایی در سال ۱۹۸۲ به معنی حضور ما در فینال جام جهانی ۲۰۰۶ خواهد بود و می‌توانیم با رسیدن به چنین هدفی غم و اندوهی که سال‌ها است مردم کشورم به دلیل نتایج ضعیف ایتالیا متحمل شده‌اند را از بین ببریم. ما مجموعه‌ایباقت و مستعدی داریم و با ستاره‌هایی مثل توتی، یوفون و توتی می‌توانیم جام را در دستن خود قرار دهیم.»

می‌شوند. تیم ایتالیا ضرابهنگ قوی‌تر و سریع‌تری دارد و همین می‌تواند باعث تضمین برتری در میدان باشد و وقتی مجبور به بردن باشیم، آن وقت بازی برای حریفان سخت‌تر می‌شود. البته باید این را بدانیم اگر اینجایا به آلمان ببازیم، آن وقت ایتالیایی‌هایی که در آلمان زندگی می‌کنند سنگینی این باخت را بیشتر احساس می‌کنند و در زندگی‌شان تاثیر می‌گذارد. ■ **از جام جهانی ۸۲ چه چیزی به خاطر می‌آورید؟** فقط فلاش‌های عکاسان و اولین گل مقابل برزیل. ■ **چیزی که به یاد می‌آورم**، زمانی که در فلورانس دیدم حتی حاضر نبودم یک یورو روی آن شرط‌بندی کنم اما در جام جهانی تیم دیگری را دیدیم، تیمی که خیلی سریع به دروازه حریف می‌رسد و از نقطه نظر فیزیکی همیشه از تمام حریفان جلوتر است. اما امروز فکر می‌کنم آنها کمی خسته شده‌اند بازی در وقت اضافی مقابل آرژانتین انرژی بسیار زیادی را از آنها گرفته است و همین می‌تواند برایشان گران تمام شود. من هم ترجیح می‌دادم مقابل آلمان بازی کنم تا اینکه بخوام مقابل تیم‌های نفس‌گیر آمریکا جنوبی قرار بگیرم. ■ **به نظر من این بازی شرایط برابر دارد حتی اگر آنها از نظر تماشاچی دارای نقطه برتری باشند.** برای شکست دادن آلمان باید زحمت کشید و من فکر می‌کنم ایتالیا توان این کار را دارد. ■ **و ایتالیا؟** یک گروه خوب و زیبا هستند. همه تیم‌ها وقتی مقابل ما قرار می‌گیرند با مشکلات زیادی روبه‌رو